

ناکهان شعر



رضی‌الدین آر‌تیمانی

همه دردم همه داغم همه عشقم همه سوزم همه در هم گذر دهر مه‌وسال و شب‌وروزم وصل و هجرم شده یکسان همه از دولت عشقت چه بخندم چه بگیرم چه بسازم چه بسوزم گفتنی نیست که گویم ز فرقت به چه حالم حیف و صد حیف که دور از توندانی به چه روزم دست‌وپایم تپش دل همه از کار فکنده چشم‌بر جلوه دیدار نیفتاده هنوزم غصه‌بی‌غمی ام داغ کندور نه بگویم داغ‌بی‌دردی‌ام از یافکندور نه بسوزم رضی‌ام، جمله‌افاقی فروزان ز چراغم همچومه، چشم به در یوزه خور شید ندوزم ***



اوحدی مرعاهای

بال‌دل تنگ‌من از تنگ‌شکر هیچ‌مگوی چون‌تور از دل‌من نیست خبر هیچ‌مگوی چند‌گویی که: حدیث‌توبه‌وزر نیک‌شود؟ روی‌زمین مرابین‌وزرز هیچ‌مگوی پیش‌قندهدن پیسته‌مثال‌توز شرم چون‌نبات‌ار بگذار دزد شکر هیچ‌مگوی هر‌دمی قصه‌ما را چه‌زسرمی‌گیری؟ جان‌چودر پای‌تو کردیم‌ز سر هیچ‌مگوی از دهن‌اتوبه‌یک‌بوسه‌چو خرسندشدم زان‌دهن جز سخن‌بوسه‌دگر هیچ‌مگوی من‌بی‌سود چه‌گردتو، توانم‌گشتن؟ گر کمر گردتو گردد ز کمر هیچ‌مگوی سینه‌اوحدی‌از عشق‌تو گر ناله‌کند ناوکت‌راسپر است‌وبه‌سپر هیچ‌مگوی ***



بابا افضل کاشانی

در مقامی که رسد زوبه‌دل و جان آسیب نبود جان خرمدن ز رفتن به‌نبیب ناشکیبا مشوار باز گذار داجانت خانه‌ای را که زویران شدنش نیست شکیب تن‌یکی خانه‌وبرانی‌وبی‌سامانی است نتوان داشت در او جان‌وروان را به‌فریب گر چه پیوسته‌جان است تن‌تیره، وولیک شاخ‌ران نیست خبر هیچ‌ز بویایی سبب گر چه از جان به‌شکوه‌است و به‌نیرو، هر تن جان‌نگیر دژ تن‌تیره به‌زیبایی‌زبب دیده‌جان خرداست و روشش اندیشه ناید از گوری‌و کری‌تنش هیچ‌آسیب چشم‌جان‌روشن و بیناست ز نزدیک‌وز دور پای اندیشه‌روان است بر افرا ز نشیب بی‌گمان‌باش خرمدند، که در راقیقین خردت راست‌رود باتو، گمانت به‌وُرب ***



شاطر_عباس_صباحی

غم‌ت شود به‌دل من فزون، دقیقه‌دقیقه دلم‌ز هجر شود پیر ز خون، دقیقه‌دقیقه هر آن چه خون به‌دل‌م شذز اشتیاق جمال‌ت شد از دودیده‌از م‌برون، دقیقه‌دقیقه هر آن دلی که به‌دام کمند زلف‌ت افتد ز غم، فدت به‌سرا و جنون دقیقه‌دقیقه هلاک‌می‌شدم از تیر ناز او، به‌نگاهی اگر لب‌تون‌می‌شد مصون، دقیقه‌دقیقه چه فتنه‌ای است به‌چشم‌سیاه‌کارتو، ای‌مه؟ به‌یک‌نظر کند عالم‌فسون، دقیقه‌دقیقه که‌را شهید نمودی به‌ر هگذار، که‌ریزد ز تیغ ناز تو پیوسته‌خون، دقیقه‌دقیقه ز ضرب‌تیشه‌فرهادو تیر غم‌زه‌شیرین هنوز ناله‌کش‌د بیستون، دقیقه‌دقیقه پس از حکایت مجنون ز عشق و از غم لب‌لی کسی ندیده‌چومن‌تاکون دقیقه‌دقیقه ز کلک‌نغز صبحی‌شکر ز خامه‌بریزد ز وصف‌ان لب‌یاقوت‌گون، دقیقه‌دقیقه... ***

غلط نویسیم

ملاقه

اصل این کلمه در عربی ملقعه‌است، اما فارسی‌زبانان آن را ملاقه تلفظ می‌کنند و به همین صورت نیز می‌نویسند و اشکالی ندارد.

ملمعه

حرف سوم این واژه «غ» است، نه «ق»، غالباً آن را به صورت ملقمه می‌نویسند و اشتباه است.

تراوشات

واژه تراوش فارسی است و جمع بستن آن با «ات» عربی خلاف قاعده است. به جای آن باید گفت تراوش‌ها.

اتباع/اتباع/اتباع

این سه واژه را نباید با هم اشتباه کرد. اُتباع به‌معنای «پیروان» است. اِتباع به‌معنای «پیروی کردن» است. اِتباع هم به‌همین معنی است.

بر گرفته‌از کتاب «غلط‌نویسیم» ابوالحسن نجفی

ملک الشعراء بهار، سنت‌گرای نوپرداز

به مناسبت زادروز ملک الشعراء بهار، شاعر جریان‌ساز معاصر و جزو موسسان روزنامه خراسان

با دکتر علیرضا قیامتی استاد زبان و ادبیات فارسی درباره شعر، زندگی و تسلط این شاعر گرانمایه بر ادبیات کهن، گفت‌وگو کرده‌ایم



الهه آر‌انیا

calture@khorasannews.com

«برو کار می‌کن مگو چیست کار / که سرمایه جاودانی است کار». این یکی از بیت‌های مشهور ادبیات فارسی است که سال‌هاست به صورت ضرب‌المثل بر زبان مردم جامعه جاری است. به جز این بیت، همه‌ما شعر معروف دماوند با مطلع «ای دیو سپید پای در بند / ای گنبد گیتی ای دماوند» ادر کتاب فارسی مدرسه خواننده و حفظ کرده‌ایم. امروز سالروز تولد ملک‌الشعراء بهار، شاعر این اشعار معروف و محبوب فارسی‌است. این یاقعه بزرگ ادبیات فارسی در دوران معاصر، آخرین شاعری بود که به‌شایستگی، ادبیات قدیم فارسی را نمایندگی کرد و آثار ماندگاری از خود به جا گذاشت. او در زندگی نامه‌اش می‌نویسد: «در سال ۱۳۰۴ هجری قمری، ماه ربیع‌الاول، شب دوازدهم در مشهد که از شهرهای خراسان است، به دنیا آمدم». این تاریخ در تقویم شمسی ۱۸ آذر ۱۲۶۵ است. ملک‌الشعراء بهار، علاوه بر شاعری، در پژوهش و نقد ادبی هم تبحر داشت و آثار او در این زمینه هنوز که هنوز است، مرجع دانشجویان و استادان ادبیات فارسی به شمار می‌رود. به مناسبت زادروز این چهره برجسته ادبیات معاصر، با دکتر علیرضا قیامتی، استاد ادبیات فارسی درباره دلایل اهمیت ملک‌الشعرادر شعر معاصر و رابطه او با نوپردازی در شعر گفت‌وگو کرده‌ایم.

چرا ملک الشعرا شاعر مهمی در دوران معاصر است و به او لقب آخرین نماینده شعر کلاسیک ایران در دوره معاصر را داده‌اند؟

این سخن گزاره نیست اگر بگوییم بهار، واپسین بازمانده ادب کلاسیک ماست؛ چون همه خصوصیات ادب کلاسیک را در شعرهایش دارد. او حتی در شناخت ادبیات پیش از خود، از جامی هم بالاتر است. ملک‌الشعرا در قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و رباعی چکیده ادبیات پیش از خود را دارد. او راه قصیده‌سرایی را به بهترین وجه ادامه داده است. قطعه‌های «بهار» از قطعه‌های ابن‌یمین و انوری کم نمی‌آورد. کمتر شاعری را داریم که منتقد، پژوهشگر ادبی و روزنامه‌نگار باشد و در عین حال مرد سیاست هم باشد. هر چند خودش می‌گوید اشتباه کردم که وارد سیاست شدم. محمود فرخ از شاعران نام‌آشنای خراسان در این باره می‌گوید: «چندی ملک‌وزیر شد و قدر خویش کاست / آری مگر ملک نبود برتر از وزیر؟» بهار به فرهنگ ایران و شاهنامه دلبستگی داشت. تبخروا در ادبیات ایران باستان

باعث می‌شود که فرزندش، مهرداد بهار یکی از قله‌های پژوهش در این زمینه باشد. جامعیت بهار باعث شد سبک عراقی، خراسانی و هندی را در آثار او متجلی ببینیم. شعر اعتراضی، وطن‌دوستی و میهن‌دوستی هم یکی از مضامین اصلی شعر اوست.

تصحیح دیوان ملک‌الشعراء بهار بر اساس نسخه‌ای که محمود فرخ از اشعار او جمع‌آوری کرده بوده، معتبرترین تصحیحی است که از دیوان بهار در دست داریم؟

بله. این نسخه که دکتر مجتبی مجرد تصحیح کرده‌اند، امتیازهایی در مقایسه با دیوان دو جلدی بهار که انتشارات توس چاپ کرده، دارد، اما خالی از اشکال هم نیست. بنده در جلسه رونمایی و نقد این دیوان گفتیم دست‌است که دوستان زحمت کشیده‌و خوب هم کار کرده‌اند، ولی وقتی من همین نسخه را با دیوان محمود فرخ مقایسه کردم، متوجه شدم بسیاری از اشعاری که از بهار در دیوان فرخ آمده، در نسخه تصحیح دکتر مجرد نیست. حداقل ۳۸،۳۷ بیت هست که در دیوان استاد فرخ دیده می‌شود، ولی در تصحیح دکتر مجرد نیامده‌است. به‌نظر من نیاز بود که این سنجش را انجام می‌دادند و گر نه به لحاظ علمی کار بزرگی انجام‌شد و یافتن این نسخه در دانشکده ادبیات یک کار درخشان و ماندن پیدا کردن یک گنج بود.

شما مقالهای نوشته‌اید با عنوان «اخوانیه‌ای بهار و محمود فرخ». این مقاله از چه می‌گوید؟

این مقاله از اخوانیه‌های بین ملک‌الشعراء بهار و محمود فرخ، رئیس انجمن فرخ که از بزرگ‌ترین افتخارات ادبی خراسان و مشهد است، می‌گوید. اگر به قاطعیت نتوانم بگویم، اما گمان می‌کنم ما در ادب فارسی شاعرانی نداریم که به اندازه این دو این همه شعر در پاسخ هم بگویند و اخوانیه داشته باشند. من در این حجم به مورد مشابهی برخوردادم. بهار و فرخ، هر دوازچهره‌های برجسته و بزرگ خراسان بوده‌اند.

ملک‌الشعراء

بهار نوگرایی

در مضمون و

اندیشه شعر را

می‌پسندیده. او

با جریان شعر نو چه

میانهای داشته‌است؟



بهار با شعر نو میانه‌ای نداشت و حتی جبهه‌گیری هم می‌کرد. نوگرایی در اندیشه‌های بهار زیاد است؛ یعنی مضامین نو را در حد اعلا در شعر بهار می‌بینیم؛ او قصیده به سبک انوری و خاقانی نمی‌سراید و شعرش کاملاً رنگ‌روزر دارد. هیچ واقعه تاریخی جهانی، ملی و منطقه‌ای نیست که او از آن غافل شده باشد، اما نمی‌پسندید قالب شعر کلاسیک به هم بریزد.

رابطه بهار با شعر نو چگونه بود؟

از بزرگانی مانند استاد مظاهر مصفا نقل شده که ملک‌الشعراء بهار، شعر نو را جدی نمی‌گرفت. بالاخره او دوست محمود فرخ است. در انجمن فرخ حتی به نوپردازان اجازه ورود نمی‌دادند و با کسانی که شعر نو می‌گفتند، مخالف بودند. خانواده‌های این بزرگواران هم وقتی در جایی شعر نو می‌شنیدند، بر نمی‌تابیدند.

شعرها و فعالیت ملک‌الشعراء بهار در روزنامه خراسان

به استاد نوشته ملک‌الشعراء بهار، در جلد نخست کتاب «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران»، اولین روزنامه‌ای که اشعار او را منتشر کرد، روزنامه خراسان با مدیر مسئولی سیدحسین اردبیلی بود که در اسفندماه سال ۱۲۸۷، در شهر مشهد منتشر شد؛ ملک‌الشعرا یکی از دست‌اندرکاران روزنامه بود و برخی از اشعار او، برای نخستین بار از طریق روزنامه خراسان، به دست مردم رسید. این سروده‌ها میراث‌گران قدر ادبی بهار در روزنامه خراسان و راوی روزگاری است که مردم در برابر استبداد صغیر به‌پا خاسته بودند. به مناسبت سالروز زادروز این شاعر نامدار معاصر، به مرور چهار نمونه از اشعار او در روزنامه خراسان می‌پردازیم. ملک‌الشعراء بهار مخمسی را خطاب به شاه مستبد قاجار یعنی محمد علی شاه با عنوان «ملکا جور مکن» برای نخستین‌بار روز پنج‌شنبه، ۹ اردیبهشت ۱۲۸۸ در شماره ۱۰۰ روزنامه خراسان منتشر کرد که در آن آمده است: «ملکا جور مکن پیشه و مشکن پیمان / که مکافات خدائیت بگیرد



ادب و هنر

اخبار فرهنگی هنری

احیای قانون مرجعیت وزارت ارشاد

برای صدور مجوز تاسیس کتاب‌فروشی



معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از اعلام فرخوان صدور مجوز برای کتاب‌فروشی‌ها در سامانه جامع ناشران و کتاب‌فروشان با هدف بهره‌مندی کتاب‌فروشان از تعرفه‌های فرهنگی و معافیت مالیاتی پیش‌بینی شده در قانون خبر داد. به گزارش ایبنا، باسرا احمدوند با اشاره به بند ۲۲ ماده ۲ قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، گفت: طبق این قانون صدور مجوز تأسیس یا انحلال مراکز، مؤسسات و مجامع فرهنگی، مطبوعاتی، خبری، ناشران و کتاب‌فروشان، مجامع هنری، سینمایی، سمعی و بصری و مؤسسات انتشاراتی و تبلیغاتی در کشور و نظارت بر فعالیت‌های آن‌ها در چارچوب ضوابط و مقررات مربوط از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می‌شود. وی ادامه داد: قانون صدور مجوز تأسیس و انحلال کتاب‌فروشی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در سال‌های مختلف مورد توجه نبوده است. باتوجه به این قانون و آیین‌نامه اجرایی تبصره بند «ج» ماده ۹۲ قانون برنامه ششم توسعه، بهره‌مندی از تعرفه‌های فرهنگی و دیگر تسهیلات، منوط به دریافت مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. پروانه فعالیت برای متقاضیان تأسیس کتاب‌فروشی از وزارتخانه و پروانه کسب از اتحادیه صادر می‌شود. وی ادامه داد: طبق بند «ل» ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم، پروانه تأسیس، بهره‌ر داری، فعالیت یا مجوز فعالیت یا عناوین مشابه که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ یا یکی از واحدهای ستادی یا استانی یا شهرستانی ـ صادر شده بود، مشمول معافیت است. احمدوند با بیان این که با توجه به همه این موارد لازم است کتاب‌فروشان از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز مجوز داشته باشند، توضیح داد: برای این که این کار یک فرایند سخت و مشکل‌آفرین برای کتاب‌فروشان نباشد، به‌زودی فرخوان اولیه برای ثبت‌نام و بهره‌مندی از تعرفه‌های فرهنگی اعلام می‌شود. کسانی که از اتحادیه مجوز دادند پس از ثبت‌نام، اطلاعات خود را بارگذاری می‌کنند و مجوز آن‌ها نیز به صورت الکترونیکی صادر می‌شود. به گفته معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرخوان اولیه مجوز در روزهای آینده از طریق سامانه جامع ناشران و کتاب‌فروشان صادر می‌شود.

معترضان محیط‌زیستی در لندن

جریمه نقدی شدند



دو فعال محیط‌زیستی که به نشانه اعتراض در یکی از گالری‌های هنری لندن به تابلوی نقاشی ارزشمندی حمله کرده بودند، به پرداخت جریمه محکوم شدند. به گزارش ایسنا، به نقل از گاردين، دو معترض محیط‌زیستی که به تابلوی نقاشی «گاری علوفه» مشهورترین اثر هنری «جان کانس‌تبل» در گالری ملی لندن حمله کرده بودند به دلیل وارد آوردن بیش از ۱۰۰۰ پوند خسارت به این نقاشی به پرداخت جریمه محکوم شدند. دو معترض ۲۲ و ۲۳ ساله از گروه محیط‌زیستی «استخراج نفت را متوقف کنید» در ماه جولای سطح این تابلوی نقاشی را که به سال ۱۸۲۱ تعلق دارد با تصویر بازآفرینی شده از آینده ویران شده پوشاندند و سپس دست‌هایشان را با چسب به قاب نقاشی چسباندند. یکی از این معترضان بلافاصله پس از این اقدام اعتراضی بیان کرد که نسخه بازآفرینی شده از تابلوی نقاشی «گاری علوفه»، اعتیاد ما به استفاده از سوخت‌های فسیلی در حومه شهر را به تصویر می‌کشد. در نسخه بازآفرینی شده توسط این فعالان، جاده، جایگزین رودی شده بود که در نقاشی «گاری علوفه» وجود دارد و از کارخانه‌هایی که در افق دور دست دیده می‌شدند، دوده به آسمان پراکنده می‌شد.

دادگاهی در انگلستان در روز سه‌شنبه این دو معترض را برای ایجاد خسارت‌ها، مجرم شناخت. این در حالی است که هیچ کدام از دو معترض این جرم را انپذیرفته‌اند و معتقدند با توجه به مصوبه ۱۰ و ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که به حق آزادی بیان اشاره دارد، آن‌ها به صورت قانونی اجازه این اعتراض را داشتند، اما قاضی با توجه به آسیب جدی که به تابلوی نقاشی وارد شده است این اقدام را غیرقانونی اعلام کرد. در نتیجه هر کدام از معترضان موظف به پرداخت جریمه‌هایی به گالری ملی لندن شدند.



تصویر اولین شم‌روزنامه خراسان که در اسفند سال ۱۲۸۷ منتشر شده است

دامان / خاک بر سر کندت حادثه دور زمان / خاک مصر طرب‌انگیز نبینی که همان / خاک مصر است ولی بر سر رفون و جنود». این مخمس که نسبتاً طولانی است، مانند بیشتر اشعار بهار در این دوره و در روزنامه خراسان، محتوایی سیاسی دارد و خطاب به محمدعلی شاه سروده شده است. از حمت حق‌نباش نومیدتر کب‌بند «از حمت حق‌نباش نومید»، «باتیتر «ترانه ملی»، سروده دیگر مر حوم بهار است که نخستین بار روز سه‌شنبه، ۲۸ اردیبهشت ۱۲۸۸، در شماره ۱۳ روزنامه خراسان منتشر شد؛ «دوشینه ز رنج دهر بدخواه / رقت‌موی بوستان نهانی / تا وار هم از خمار جانکا» / در لطف‌هوای بوستانی /... / این مژده به گوش من رسانید / از رحمت حق محاش نومید». شعر محتوایی امیدوارکننده دارد و خطاب به مردم نوشته شده است. از نظر تاریخی، شعرادر زمانی منتشر کرده‌اند که کار قیام علیه استبداد صغیر، در بیشتر مناطق ایران بالاگرفته بود. اهلا و سهلای نسیم بهار قصیده مسط مستزاد «اهلا و سهلای نسیم بهار»، نخستین بار در روز پنج‌شنبه، ۲۴ تیر ۱۲۸۸ در شماره‌های مکرر ۱۹ و ۲۰ روزنامه خراسان منتشر شد. زمان انتشار شعر، با فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان هم‌زمان است و در واقع عرض تبریکی است بابت پیروزی مردم بر استبداد: «اهلا و سهلای نسیم بهار / ای قاصد زلف یار / از لطف یاریایی چه داری بیار / ای کاروان تتر /... / بادانگهدارت به لیل ونهار / لطف خداوندگار / الحمدلله... ترجیع‌بند» می‌ده که طی خداوندان جانکاه»، البته اولین سروده ملک‌الشعراء بهار در نگاه «البته اولین سروده ملک‌الشعراء بهار که با نام او در روزنامه خراسان منتشر شد در تاریخ پنج‌شنبه، ۳۱ تیر ۱۲۸۸ در شماره ۲۱ روزنامه بوده است.



اشغال کردند، اعضای خانواده «Petschek» قصد داشتند این دست‌نوشته را به خارج کشور پست کنند، اما «گشتاپو» (پلیس مخفی آلمان در دوران حکومت نازی‌ها) وارد عمل شد. آلمانی‌ها در آن زمان از مسئولان موزه «موراویان» پرسیدند که آیا این نت‌ها را «بت‌هون» شخصاً نوشته است و مسئولان برای نگه‌داشتن این دست‌نوشته‌ها در مجموعه موزه در پاسخ به آن‌ها اصالت دست‌نوشته را رد کردند. در نتیجه به موزه اجازه داده شد تا این دست‌نوشته را نگهداری کند. این نت‌ها برای آخرین بار در ۱۸۲۶ و در ۵۶ سالگی یعنی یک سال پیش از پایان عمرش تکمیل کرد. وقتی نازی‌ها در سال ۱۹۳۹ چکسلواکی را

موزه‌های در

جمهوری چک،

نت‌های دست

نویس «بت‌هون» را که غارت شده

بود به وراثتان اصلی آن

باز می‌گرداند. به گزارش ایسنا و

به نقل از آرت نت، یک موزه در

جمهوری چک بخشی از نت‌های

دست‌نوشته «لودویگ فان

بت‌هون» موسیقی دان نامدار

تاریخ را که در دوران جنگ

جهانی دوم غارت شده بود به

وارثان مالک اصلی او

باز می‌گرداند. این دست‌نوشته

که نت‌های «اپوس ۱۳۰

کوارتت‌های زهی» را شامل

می‌شود به مدت ۸۰ سال در

«موزه موراویان» واقع در «برنو»،

شهری در جمهوری چک

نگهداری شده است. این دست

نوشته در ابتدا او پیش از این که

خانواده «Petschek» در دوران

جنگ جهانی دوم از چکسلواکی

بگریزند به این خانواده تروتمند

تعلق داشت. هنوز مشخص

نیست که این دست‌نوشته چطور

از همان ابتدا به دست این

خانواده رسیده است. «بت‌هون»

نوشتن این کوارتت را در سال

۱۸۲۶ و در ۵۶ سالگی یعنی

یک سال پیش از پایان عمرش

تکمیل کرد. وقتی نازی‌ها در

سال ۱۹۳۹ چکسلواکی را